Quranic and narrative evidences about effects of interaction between jurisprudence and education in individual and social dimensions

Mohsen Qamarzadeh[1]

Abstract

This research seeks to answer the question of what are the effects of the interaction between the two fields of jurisprudence and education on the individual and social life of a Muslim, from the perspective of the Holy Quran and hadiths. Analytical-descriptive review of this issue shows that the comprehensive education of man is one of his basic needs and man achieves his desired perfection in the light of proper education. Shari'a also has a special place in human life and a set of do's and don'ts surrounds his life. The development of human life in the present age and its cultural and social changes have caused human needs to take a new form. The Shari'a has found a new mission to meet human needs. Human needs go beyond playing a role in the individual life of man and the Shari'a must meet the needs of man in all individual and social dimensions. The position and role of jurisprudence in various physical, mental and intellectual dimensions of man based on principles such as servitude, authority and freedom, causes the impact of jurisprudence and Sharia in all individual and social dimensions of human education and brings him closer to the perfection of his humanity.

Keywords: The effect of jurisprudence on education, individual dimensions of education, social dimensions of education, interaction.

1. Assistant Professor and Head of Department of Quran and Hadith Jurisprudence, Jurisprudential Center of the Imams, Qom, Iran.
Email: ghamarzadehm@gmail.com.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۳

ادله قرآنی و روایی تأثیرات تعامل فقه و تربیت در ابعاد فردی و اجتماعی

محسن قمرزاده[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۹/۲۳ – تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱/۳۰)

چکیده

این تحقیق در صدد پاسخگویی به این سؤال است که تأثیرات تعامل دو عرصه فقه و تربیت در زندگی فردی و اجتماعی یک مسلمان، از دیدگاه قرآن کریم و احادیث کدام‌اند. بررسی توصیفی تحلیلی این مسئله گویای آن است که تربیت و پرورش همه‌جانبه انسان از نیازهای اساسی اوست و انسان در پرتو تربیت صحیح به کمال مطلوب خویش نائل می‌آید. شریعت نیز جایگاه ویژه‌ای در زندگی انسان دارد و مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها زندگی او را احاطه کرده است. پیشرفت زندگی بشر در عصر کنونی و تحولات فرهنگی و اجتماعی آن، موجب شده نیازهای بشر شکل جدیدی به خود گیرد. شریعت به‌منظور پاسخگویی به نیازهای انسان رسالتی نوین پیدا کرده است. نیازهای انسان از ایفای نقش در محدوده زندگی فردی

۱ . مدیر گروه و استادیار گروه فقه قرآن و حدیث مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
رایانامه: ghamarzadehm@gmail.com.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

انسان فراتر رفته و شریعت می‌بایست پاسخگوی نیازهای انسان در همه ابعاد فردی و اجتماعی باشد. جایگاه و نقش فقه در ابعاد مختلف جسمی، روحی، عقلی انسان بر مبنای اصولی چون عبودیت، اختیار و آزادی، موجب اثرگذاری فقه و شریعت در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی تربیت انسان شده و او را به کمال انسانیت خویش نزدیک می‌نماید.

واژگان کلیدی: تأثیر فقه بر تربیت، ابعاد فردی تربیت، ابعاد اجتماعی تربیت، تعامل.

۱. مقدمه

تعامل و رابطه فقه و تربیت فردی و اجتماعی در جامعه دوسویه است. فقه یک حوزه معرفتی شرعی و اسلامی است. تربیت نیز هرچند مجموعه‌ای از آموزه‌ها و فعالیت‌های عینی است و به خودی خود ماهیت دینی و اسلامی ندارد، اما موجب تعامل این پدیده عینی در یک جامعه دینی و اسلامی، با فقه می‌گردد؛ یعنی فقه ناظر به چارچوب‌های کنش در حوزه فردی و اجتماعی است که گاهی از آنها تعبیر به هنجار می‌شود. گرچه ممکن است فقه دربرگیرنده تمام هنجارها نباشد، اما تأثیر هنجارها در تربیت فرد و جامعه غیر قابل انکار بوده و مختص به جوامع دینی نیست.

از این رو، اگر فقه به عنوان یک دانش اسلامی تأثیراتی در تربیت داشته باشد، رنگ و بوی اسلامی و دینی به تربیت بخشیده و آن را دینی و اسلامی می‌کند. در نظر گرفتن نقش متقابل فقه و تربیت و عناصر آن

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

در یک جامعه، میزان تأثیرگذاری فقه و تربیت را در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی افراد یک جامعه مشخص و با تعیین قلمرو فقه، آشکار می‌دارد فقه چه عناصری از فرآیند تربیت را می‌تواند عرضه کند. از این رو، این پژوهش در صدد بررسی تأثیرگذاری فقه بر تربیت دینی مطلوب قرآن کریم است.

در زمینه فقه و تربیت تحقیقاتی گوناگونی انجام گرفته است. از جمله: کتاب: فقه تربیتی- و تربیت فرزند با رویکرد فقه تربیتی، نوشته حجت الاسلام علیرضا اعرافی (۱۳۹۵)، کتاب: نگرشی بر تعامل فقه و تربیت، نوشته حجت الاسلام علی همت بناری (۱۳۸۳)، مقاله: تأثیرات فقه بر نظام تربیتی، نوشته علیرضا اعرافی، فصلنامه راهبرد فرهنگ (۱۳۹۵)، مقاله: مبانی انسان‌شناختی روش تربیتی قرآن و حدیث در بعد اجتماعی نوشته محمد و فقهی زاده (۱۳۹۵) و نگاشته‌های متعددی که در زمینه فقه و تربیت به نگارش درآمده است؛ اما هنوز پژوهشی که تأثیر تعامل فقه و تربیت در ابعاد فردی و اجتماعی زندگی افراد را از منظر دیدگاه قرآن کریم و روایات مورد بررسی قرار دهد، یافت نشد. لذا این تحقیق بر آن است تا نگاهی به زمینه‌های تعامل این دو عرصه داشته باشد.

۲. چهارچوب نظری

فقه در لغت به معنای فهم (ابن منظور، بی‌تا، ۱/ ۲۰۱) و در اصطلاح، علم به احکام فرعی شرعی گفته می‌شود که از طریق استنباط ادله و مجموعه دستوراتی که مجتهدین از منابع معتبر استنباط نموده، در کتب فقهی منعکس شده است (العاملی، ۱۴۰۶، ۲۲؛ حسینی، ۱۳۷۸، ۹۲).

تربیت نیز از ریشه ربو، به معنای رشد و نمو (ابن منظور، بی‌تا، ۳۰/۱۴) و از ریشه ربب، به معنای مالک، مدبر، صیرورت و دگرگونی در شیء تا

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

رسیدن به کمال (همان، ۴۰۰/۱؛ طریحی، ۶۴/۲؛ راغب اصفهانی، بی‌تا، ۳۳۶؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ۳۵/۴) و در اصطلاح نهاد یا نظام آموزشی و پرورشی، به فرآیند تأثیرگذاری و تأثیرپذیری گفته می‌شود که محتوا یا برنامه‌ای که همه سنین و همه احوال حیات انسانی را فرا می‌گیرد (رفیعی،۱۳۷۵، ۹۰/۳؛ خمینی، بی‌تا، ۶۱۶/۲).

۳. عناصر تعامل فقه و تربیت

تعامل فقه و تربیت بر اساس برخی از عناصر است. از جمله این عناصر **موضوع** آنها، یعنی انسان است؛ زیرا عوامل تربیتی در صدد تأثیرگذاری بر فرآیند اندیشه، بینش، گرایش و رفتارهای مطلوب انسان بوده و واکنش‌ها و رفتارهای بیرونی او، در زندگی فردی و اجتماعی را دربر می‌گیرد. موضوع فقه نیز، اعمال و رفتارهای انسان است (علوی، ۱۳۸۸، ۱۷).

گستره و قلمرو عنصر مشترک دیگرست. تربیت گستره‌ای به بلندای عمر انسان داشته و فراگیر و همه‌جانبه است. این عنصر مشتمل بر عوامل زمینه‌ساز پیش از تولد و همه فعالیت‌هایی که به نحوی در پرورش ابعاد وجودی انسان تأثیرگذار است، می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶، ۱۱۳/۱).

گستره عظیم فقه و احکام شرعی همه مقاطع عمر انسان از پیش از تولد را نیز، شامل می‌شود؛ به عبارت دیگر فقه و بلکه تمام ابعاد دین از اول خلقت ناظر به تمام ساحت‌های فردی و اجتماعی انسان بوده و این شمول و عمومیت زاییده شرایط جامعه بشری در دوران اخیر نیست؛ چراکه فقه به جنبه خاصی از زندگی انسان نمی‌پردازد؛ بلکه قانون‌گذار شرعی چنان حکیمانه احکام شرعی مربوط به همه زمینه‌های تأمین سلامت

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

عقلانی، روانی و جسمی، احکام فردی و اجتماعی، تأمین امور معیشتی و مادی و... را وضع کرده که در پرتو التزام و عمل به آنها همه جنبه‌های وجودی انسان پرورش می‌یابد (محقق داماد، ۱۳۷۵، ۳۹).

محتوا و مسائل مطرح در دو حیطه فقه و تربیت، عنصر دیگر تعامل آنهاست. محتوای تربیت، شامل کلیه آموزه‌ها و فعالیت‌هایی است که در پرورش ابعاد وجودی انسان مؤثر است. محتوا و مسائل فقه نیز عبارت است از باید و نبایدهای شرعی، اعم از باید و نبایدهای آموزشی، عملی و رفتاری.

هدف غایی، عنصر دیگر تعامل فقه و تربیت است؛ زیرا هم تربیت به عنوان یک فرآیند هدایت‌گر در جامعه اسلامی و هم فقه به عنوان یک حوزه معرفتی دینی و اسلامی، در راستای رساندن انسان و مکلف به یک هدف غایی، یعنی قرب الهی حرکت می‌کنند (اعرافی،۱۳۸۱، ۳۴). لازم به ذکر است فقه و تربیت هر دو، جنبه کاربردی دارند؛ به این بیان که همه احکام به نحوی جنبه عملی و کاربردی دارند. از این رو تعبیر «احکام عملیه» در سخنان فقها رواج دارد. از سوی دیگر، بارزترین جنبه تربیت فعالیت‌ها و رفتارهای عملی انسان و متربی است (خمینی، بی‌تا، ۶۱۶/۲).

به طور کلی باید گفت جایگاه خاص هر یک از این عناصر، به عنوان یک واحد مرکب، هدف ویژه‌ای را دنبال می‌کند؛ به ویژه آنکه تشکیل این تعامل، مطلوب قرآن کریم و حدیث نیز باشد؛ اما اگر یکی از عناصر به لحاظ نظری یا عملی به درستی استخراج و اجرا نگردد، کل دستگاه فقه و دستگاه تربیت انسانی دست‌خوش تزلزل شده، به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

٤. مشترکات فقه و تربیت

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

اصول مشترک فقه و تربیت عبارت‌اند از:

۴-۱. اصل بندگی

تعبد عبارت است از اطاعت و انقیاد محض در برابر خداوند و انجام بی چون و چرای دستورات الهی که مستلزم تواضع، خشوع و فروتنی در برابر او و پرهیز از طغیان، تکبر و گردن‌کشی از دستورها و احکام وی است (ابن فارس، ۱۹۷۹، ۲۰۶).

همچنین در برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی همواره پرورش و رشد تعبدی انسان مورد توجه است، به گونه‌ای که هنگام مواجهه او با احکام و دستورات فقهی و غیر فقهی الهی، تسلیم محض پروردگار گردد (سبحانی، ۱۳۸۲، ۱۱۱/۱). از نظر قرآن فرد مؤمن تنها دلیل انجام عمل از جمله دستورات فقهی را، اطمینان به سرچشمه گرفتن آن از جانب خداوند و منوط به امر الهی دانسته و صرف اینکه عمل مزبور از دید الهی مطلوب یا غیر مطلوب است اقدام به انجام آن یا اجتناب از آن می‌کند.

خداوند می‌فرماید: «**وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ**؛ و مؤمنان از حقّی که از سوی پروردگارشان بود تبعیّت نمودند.» (محمد، ۳) اصل عبودیت در برنامه تربیتی موجب ایجاد و پرورش روحیه تعبد در انسان شده، به نحوی که در او حالتی از اطاعت متواضعانه در برابر اوامر الهی ایجاد می‌شود (الطبرسی، ۱۴۰۶، ۱۰۷/۱۱)؛ و ثبات در اهداف کلی و پیروی از قوانین ماندگار الهی، ایجاد انگیزه درونی ناشی از حضور خداوند نزد فرد، کسب عزت نفس از طریق اتکا به خداوند، استغناء درونی از دیگران، رهایی از احساس تنهایی و ... بعضی از دستاوردهای تربیتی عبودیت و خدامحوری است که در سرتاسر فقه قابل مشاهده است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

۲-٤. اصل اختیار

انسان دارای کرامت، اراده و اختیار بوده و در پوییدن راه هدایت و انجام تکالیف الهی، خود تصمیم می‌گیرد و با گرایش‌های دوگانه خیر و شر مواجه گشته تا با تمایلات گوناگون فرصت انتخاب و آزمایش داشته باشد: «الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَیاةَ لِیبْلُوَکُمْ أَیکُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً؛ همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید.» (ملک، ۲) خداوند تمام امکانات مادی و معنوی را برای انسان فراهم ساخته تا ببیند چگونه از آنها استفاده می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۱۳/۷). خداوند نخواسته به صورت جبری در کارهای انسان دخالت کند (الطبرسی، ۱۴۰۶، ۳۱۰/۸)؛ بلکه ناظر و ممتحن اعمال او است: «وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِم فَلَیعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِینَ صَدَقُوا وَلَیعْلَمَنَّ الْکَاذِبِینَ؛ و به یقین، کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغ‌گویان را [نیز] معلوم دارد.» (عنکبوت، ۳)، خداوند انسان را آزاد و صاحب اختیار آفریده و این آزادی و اختیار مبنای تمامی فعالیت‌های اختیاری او قرار گرفته، به‌گونه‌ای که فعالیت‌های تحمیلی را برنمی‌تابد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۰۸/۲۳).

بنابراین اصل اختیار در تربیت یعنی اینکه برنامه‌ها و روش‌های تربیتی نباید اختیار انسان را مخدوش نماید. تربیت مقبول تربیتی است که مبتنی بر اختیار و اراده آزاد باشد. در فقه اسلامی هیچ تکلیف و فعالیتی که همراه اجبار و اکراه باشد تأیید نشده است. از این رو، در کلیه عقود و ایقاعات شرعی اختیار شرط صحت آنها است (البحرانی، ۱۳۶۳، ۳۹/۲۴).

۳-٤. اصل عدم سهل‌انگاری

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

قرآن به داشتن انعطاف و اعتدال در تربیت تأکید جدی کرده و دوری از افراط و تفریط را عامل دستیابی به تربیت صحیح، جامع، آرامش و سلامت روانی دانسته و توازن بین بعد عقلی و عملی را، موجب برنامه‌ریزی صحیح، نشانه شخصیت تکامل یافته فرد و سعادت دنیوی و اخروی او می‌داند (ملکی، ۱۳۸۹، ۱۳۶).

مؤید این امر بیان خداوند در قرآن است که می‌فرماید: «**وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُواْ شُهَدَاء عَلَى النَّاسِ**؛ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید.» (بقره، ۱۴۳) احکام الزامی فقهی، تکالیف و احکامی است که به دلیل اهمیت زیاد آنها در تربیت و هدایت انسان، الزامی بوده و انسان مسلمان مجاز به ترک و یا سهل‌انگاری در آنها نیست. این تکالیف دارای جنبه فعلی (واجبات) و جنبه عدم فعلی (محرمات) است، امّا احکام غیر الزامی شامل تکالیف و احکامی است که در رتبه پایین‌تر از احکام الزامی قرار داشته که دارای جنبه فعلی (مستحبات) و غیر فعلی (مکروهات) هستند (صدر، ۱۴۱۸، ۶۳/۱). از اصول تربیتی که در این باره می‌توان از فقه استخراج نمود، اصل جدیت و سخت‌گیری در احکام الزامی و سهل‌انگاری در غیر احکام الزامی است. شارع دو نوع برخورد با احکام فقهی داشته است: در ارتباط با احکام الزامی یعنی واجبات و محرمات در شرایط عادی و معمولی بسیار جدی و سخت‌گیر بوده و انعطافی از خود نشان نمی‌دهد، امّا در مواجهه با احکام غیر الزامی بسیار آسان و سهل‌گیر و انعطاف‌پذیر است (حسینی زاده، ۱۳۸۰، ۸۰/۱).

۴-۴. اصل رعایت قدرت

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

لازم است در فعالیت‌های تربیتی توان انسان، شرایط، موقعیت، استعدادها و نیازهای انسان سنجیده شود و متناسب با این شرایط، تدابیر تربیتی اندیشیده شود تا فعل تربیتی به نتیجه مطلوب رسد (الجبعی العاملی، ۱۳۸۷، ۱۰۵/۲) اگر تدریجی بودن تربیت و رعایت توانایی و قدرت افراد در امر تربیت آسیب ببیند، آسیب‌های جدی به ساختار تربیتی فرد و جامعه وارد می‌شود.

خداوند می‌فرماید: «... **وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى... وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ...**» (انعام، ۱۶۴ و ۱۶۵) در این آیات خداوند توانایی و محدودیت هر انسانی را از جمله سن و...، وسیله آزمون او بیان می‌دارد.

مثلاً به رغم تعدد و کثرت موارد حدود اسلامی هیچ یک بر کودکان جاری نمی‌شود و کودکان تنها تعزیر می‌شوند یا از لحاظ جنسیت در مسائل متعدد فقهی تفاوت میان مردان و زنان لحاظ شده است؛ مثلاً نماز و روزه در زمان قاعدگی زنان بر آنان واجب نیست در حالی که تحت هیچ شرایطی نماز از عهده مردان برداشته نمی‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹، ۱۸۶/۶– ۲۰۴) در این اصل، بر تناسب تکالیف و فعالیت‌ها، با توان افراد و مکلّفان، تأکید شده است.

۵. تأثیر تعامل فقه و تربیت

شخصیت انسان دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. از این رو از دیدگاه قرآن نیز تعامل فقه و تربیت در دو بعد فردی و اجتماعی قابل بررسی است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

۱-۵. تأثیر در بعد فردی

بعد فردی تعامل فقه و تربیت شامل مواردی است از جمله:

۵-۱-۱. جسم

تربیت جسمانی از دیدگاه قرآن، یعنی پروراندن جسم تا با اعمال مختلف مبادرت کرده و بدن در مقابل انواع امراض قدرتمند شود و فرد را برای فعالیت‌های مختلف فردی و اجتماعی آماده و زمینه شکوفایی جوانب مختلف روحی و معنوی، عقلانی و اخلاقی انسان را فراهم آورد (القرایی، ۱۳۸۹، ۱۲۸)

خداوند می‌فرماید: «**وَ أَعِدُّوا لَهُم مَا اسْتَطَعْتُم مِن قُوه**ٍ؛ و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید.» (انفال، ۶۰) و یا: «**وَ زادَهُ بَسطَهً فِی العِلمِ و الجِسم**؛ چون دانشی بیشتر و تنی نیرومندتر دارد.» (بقره، ۲۴۷) قرین شدن قوای جسمانی و علم در این آیات، حکایت از نوعی ارتباط بین کمال جسمی و آمادگی جهت کسب دانش، بینش و... دارد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «**مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الْقَوِیِ کَالنَّخْلَةِ وَ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الضَّعِیفِ کَخَامَةِ الزَّرْعِ**؛ مؤمن قوی مانند درخت خرماست و مؤمن ضعیف مثل زمین سخت است.» (شعیری، بی‌تا، ۱۸۳) تربیت جسم، هدف غایی و مقصد اصلی در تربیت دینی نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای رشد و تعالی روح است (القرایی، ۱۳۸۸، ۲۸۸).

چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «**لَا فِی الْحَیَاةِ إِلَّا مَعَ الصِّحَّة**» (ابن بابویه، ۱۳۹۳، ۳۷۰/۴). در فقه نیز توجه ویژه‌ای به

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

پرورش بُعد جسمی انسان، به عنوان ابزاری برای روح شده و مسائل متعددی به این امر اختصاص یافته است. دو بابِ خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها به طور مستقیم به پرورش این بعد مربوط است و در آنها احکام متعددی پیرامون خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های مجاز و غیرمجاز ذکر شده و به مستحبات و مکروهات آنها پرداخته شده است؛ همچنین باب‌هایی چون طهارت و نجاست، شکار کردن و سربریدن حیوانات با این امر در ارتباط است.

علاوه بر این‌ها، یکی از قواعد مسلّم فقهی و به حد تواتر، قاعده نفی ضرر است و در سراسر فقه هرگاه حکمی از احکام شرعی مستلزم چنین ضرری باشد، مشروعیت نداشته (نراقی، ۱۳۷۵، ۱۷– ۱۸) و حفظ سلامت جسمی فرد بر عمل به آن حکم مقدم می‌شود (خویی، ۱۴۱۳، ۲/ ۵۱۸). آنچه اشاره شد احکامی فقهی مربوط به افراد مکلّف و بالغ بود.

قابل توجه آنکه در فقه با توجه به اهمیت و نقش پرورش جسمی در دوره جنینی و کودکی و آسیب‌پذیری بیشتر، توجه خاصی به پرورش جسمی انسان در این دوره شده و احکام ویژه‌ای برای تأمین این هدف وضع شده است. عدم وجوب روزه بر زن باردار، تأخیر حدّ از زن بارداری که مرتکب زنا شده، تأکید بر دادن شیر آغوز به نوزاد و به طور کلی تأکید بر استفاده از شیر مادر نمونه‌هایی از این احکام و تعاملات فقه و تربیت است (طباطبایی گلپایگانی، ۱۳۸۹، ۵۲۹/۱ – ۵۳۰).

۵-۱-۲. روح

از دیدگاه قرآن، روح دمیده‌شده در انسان از سنخ عالم ملکوت است و به خداوند نسبت داده شده «**فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ**

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

سَاجِدِينَ؛ پس آنگاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او بدمیدم بر او به سجده درافتید» (حجر، ۲۹).

عبادت، راز و نیاز، کرنش در برابر خالق هستی نه تنها هدف تربیت، بلکه هدف آفرینش است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنّ وَالْإِنْسَ إِلّا لِيَعْبُدُونِ؛ و من جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا (به یکتایی) پرستش کنند.» (ذاریات، ۵۶) آرامش، حیات، منزلت و گرامیداشت انسان وابسته به بعد معنوی و روحانی اوست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۵۴۷/۱۳).

چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إن الله لا ينظر إلى أجسادكم و لا إلى صوركم ولكن ينظر إلى قلوبكم؛ خداوند به جسم‌ها و شمایل شما نمی‌نگرد، بلکه به قلب‌های شما می‌نگرد.» (نووی،۱۳۵۱، ۶) تربیت روحی و درونی فرد، مشتمل بر رابطه انسان با خداوند و پیش‌درآمد تربیت در بُعد اجتماعی و بیرونی او است. یکی از اهداف فقه نیز ساماندهی ارتباط با خداست.

نخستین و گسترده‌ترین باب‌های فقهی به این بُعد از ابعاد وجودی انسان اختصاص یافته است. به‌گونه‌ای که فقه تأمین‌کننده این بعد تربیتی است (انصاری، ۱۴۱۵، ۴۳) و در این رابطه، باب‌هایی چون نماز، روزه و حج نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و با رو کردن به خدا و یاد او، سلامت و بهداشت روحی، قرین زندگی انسان می‌شود (عاملی جبعی، ۱۳۷۷، ۲۶).

فقه نیز این سلامت روانی حاصل‌شده را به اهداف تربیت اضافه و به نوعی تعامل در عرصه اهداف بین دانش فقه و تربیت برقرار می‌شود. شرط صحت قبولی همه عبادات، نیت خالص و الهی است و اگر تکالیف توصلی،

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

با قصد قرب به خداوند انجام شود، مستحق پاداش است (اعرافی، ۱۳۸۱، ۴۳).

۵-۱-۳. عقل

بسیاری از آیات قرآن افراد را به تفکر در خلقت آسمان و زمین، گردش شب و روز و حتی تفکر در ذات خود دعوت نموده‌اند (طوسی، ۱۴۰۹، ۱۳۹/۹)، «**سَنُرِيهِمْ آياتِنا فِي الْآفاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَ وَ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ**؛ به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است؟» (فصلت، ۵۳).

تربیت عقلانی موجب می‌شود انسان در زندگی فردی و اجتماعی خود یاد و درک خداوند و تقوای الهی را پیشه خود قرار دهد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶، ۳۳۰/۲۰). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «عقل آن چیزی است که خیر به واسطه آن کسب می‌شود و رضایت خدا به‌واسطه آن طلب می‌گردد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۲/۷۴)؛ همچنین فرمودند: «دوست هر شخصی عقل اوست و دشمن او جهل اوست» (همان، ۷۴، ۱۷۷).

هرچند تأثیر فقه در بُعد عقلانی در مقایسه با سایر ابعاد کم‌رنگ‌تر است، با این حال، زمینه‌هایی مانند احکامی برای حفظ عقل، شرط عقل در تکالیف شرعی، در فقه وجود دارد که به نحوی در پرورش این بُعد مؤثر هستند (گلپایگانی، ۱۴۱۴، ۹۳/۱) شرط عقل در انجام تکالیف شرعی به حدی مهم است که در آموزه‌های فقهی مجنون مکلف دانسته نمی‌شود (حلی، ۱۴۱۲، ۶۴۸/۲).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

۵-۲. تأثیر در بعد اجتماعی

از دیدگاه تربیتی قرآن، انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است و بدون ارتباط با دیگران قادر به ادامه حیات نیست (احمدی، ۱۳۸۵، ۳۳) در قرآن مشارکت‌های اجتماعی جایگاه فوق‌العاده‌ای دارند. به عنوان نمونه خداوند نرم‌خویی را یکی از عوامل مهم در اجتماع حول پیامبران دانسته و عبس را عامل تفرقه و جدایی بیان می‌دارد (اندلسی، ۱۹۹۲، ۴۰۹/۳) و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «**قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنى وَ فُرادى**؛ بگو: من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که: دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید.» (سبا، ۴۶). افراد جامعه به حکم دین و عقل، برای رفع نیازهای جاری و ضروری خود، باید در اجتماع حضور داشته باشند (طوسی، ۱۴۰۹، ۱۳۹/۹) اولین جامعه‌ای که فرد بدان قدم می‌نهد، خانواده است. اهتمام قرآن به خانواده و تربیت آن نشانگر اهمیت موضوع است (احمدی، ۱۳۸۵، ۳۴).

خداوند می‌فرماید: «**یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلِیکُمْ ناراً**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید» (تحریم، ۶). ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش، توجه به تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر، فراهم ساختن محیطی پاک و عاری از هرگونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده از مفاد این آیات به شمار می‌آید که اگر فضای خانواده به دور از اخلاق اسلامی و انسانی باشد فرزندان متناسب با این محیط تربیت شده و مفاسد و رذایل اخلاقی را در پی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶، ۲۸۷/۲۴).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

با توجه به اینکه انسان‌ها برای داشتن روابط اجتماعی سالم، به قوانینی نیازمند هستند تا بر اساس آن روابط سالم خویش را تنظیم کنند. فقه توجه ویژه‌ای به روابط اجتماعی مکلفین دارد. بخش عمده‌ای از آن به تنظیم روابط اجتماعی، به ویژه مسائل حقوقی مکلفین اختصاص یافته است. هسته اولیه روابط اجتماعی از رابطه والدین با یکدیگر و والدین با فرزندان، در قالب روابط اعضای خانواده شکل گرفته و سپس به شبکه اجتماع می‌رسد.

یکی از روش‌های تربیتی که از فقه قابل استکشاف است، روش همراهی اوامر و نواهی با باید و نبایدهای شرعی است؛ به این بیان که پیرامون هر تکلیف شرعی یک سری بایدها و نبایدها مطرح می‌شود و در نهایت انسان با کلیه افراد جامعه روابط اجتماعی برقرار کرده و شبکه ارتباطی او کامل می‌گردد (گلپایگانی، ۱۴۱۴، ۵۰/۲).

فقه اسلامی در کلیه این روابط حضور فعال داشته و به تناسب برای آنها احکام ویژه‌ای دارد و ابوابی چون معاملات، قرض، شرکت، عاریه، ودیعه، اجاره، رهن، صلح، مزارعه، مساقات، مضاربه، نکاح، طلاق، حقوق متقابل والدین و فرزندان، حقوق خویشاوندان، ارث، دیات، امر به معروف و نهی از منکر و... در همین راستا وضع شده‌اند (گلپایگانی، ۱۴۱۴، ۲۸۶/۳).

۵-۳. تأثیر در بعد اخلاقی

انسان در نظام دینی، به تربیت اخلاقی برای دستیابی به تربیت شخصیت، احیای هویت و پیمودن مسیر کمال نیازمند است؛ زیرا بدون تربیت و پرورش این جنبه از شخصیت او، نمی‌توان به کمال نسبی، معرفت نفسانی و سعادت دست یافت؛ بنابراین دستوراتی چون موعظه،

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

تذکر، توبه و ابتلا جهت پروش این بعد خداوند می‌فرماید: «...يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كانُوا مِنْ قَبْلُ لَفي ضَلالٍ مُبين؛ و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه، ۲).

تربیت اخلاقی مهم‌ترین هدف انبیای الهی بوده و بدون اخلاق نه دین برای مردم مفهومی دارد و نه دنیای آنها سامان می‌یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۴/۱۸). فقه و احکام آن در تربیت اخلاقی انسان مؤثر بوده و تعهد و پایبندی به فقه و عمل به احکام آن، نتایج اخلاقی فردی و اجتماعی مهمی را در پی دارد. از جمله بحث مبارزه با نفس و تهذیب است؛ به این بیان که محور مباحث فقهی تکلیف است و ماهیت تکلیف، مستلزم نوعی تحمیل بر نفس و واداشتن آن به انجام تکالیف است (گلپایگانی، ۱۴۱۴، ۵۳۴/۱)؛ مانند تأثیرات اخلاقی در برخی احکام مثل نماز، روزه، غیبت، تهمت و... که واجبات دارای جنبه‌های اخلاقی فردی و اجتماعی بسیار برجسته است. نماز انسان را از منکرات و پلیدی‌ها بازمی‌دارد، مایه صفای قلب و آرامش دل می‌شود، تواضع و فروتنی را به بار می‌آورد... روزه نیز بهترین شیوه برای حفظ نفس و مبارزه و تسلط یافتن بر آن است، انسان روزه‌دار از بسیاری گناهان و محرمات پرهیز می‌نماید (انصاری، ۱۴۱۶، ۴۳۷/۱)

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهشی تحقیق حاضر عبارت‌اند از:

۱. تربیت اعم از فقه بوده و فقه، بخشی از علم تربیت را شامل می‌شود.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

۲. احکام فقهی و کیفیت عمل به آنها، در تعامل با تعلیم و تربیت دینی مدنظر قرآن کریم و احادیث، اثرات قابل توجهی داشته و بخش بسیاری از بایدها و نبایدهای فقهی به امر تربیت اختصاص یافته است.

۳. تعامل فقه در عرصه نظریه‌پردازی تربیت به گونه‌ای است که با برقراری ارتباط مشترک، سبب تعامل و تجمیع گزاره‌های مرتبط با موضوع گشته و مجموعه‌ای واحدی را شکل می‌دهد که قواعد کلی از آن حاصل می‌آید.

۴. تربیت با نگاهی افزون‌تر از فقه، می‌تواند احکام فقهی- تربیتی را استنباط کرده و موجب دستیابی به اهداف مشترک گردد.

۵. تأثیر تعاملات فقهی با عرصه تربیت، هم سو بوده و می‌تواند خلأها و نیازهایی که به استنباط احکام فقهی، از این هم سویی ایجاد می‌شود را پر می‌کند.

توجه به عرصه‌های مختلف تعاملات فقه و تربیت، می‌تواند موجب اصلاح، تأیید و یا رد گزاره‌های تربیت دینی مطلوب قرآن کریم و احادیث شود و زمینه سعادت و کمال افراد را فراهم آورد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

منابع

- **قرآن کریم**، ترجمه: محمدکاظم معزی، ۱۳۷۸، تهران: صابرین، چاپ چهارم.
- **نهج البلاغه**، ترجمه: محمد دشتی، ۱۳۷۹، قم: موسسه فرهنگی تبلیغاتی امیر المؤمنین علیه السلام.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۳، **من لا یحضره الفقیه**، قم: مجمع ذخایر اسلامی.

۲. ابن فارس، احمد، ۱۹۷۹، **معجم مقائیس اللغة**، تحقیق: عبد السلام محمدهارون، مصر: دارالفکر.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، بی‌تا، **لسان العرب**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۴. اعرافی، علیرضا، ۱۳۹۵، **فقه تربیتی (۱)**، تحقیق و نگارش: سید نقی موسوی، قم: اشراق و عرفان.

۵. اعرافی، علیرضا، ۱۳۸۱، **درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲)**، قم: دفتر حوزه و دانشگاه.

٦. اندلسی، محمد بن یوسف ابی حیان، ۱۹۹۲، **البحر المحیط فی التفسیر**، بیروت: دارالفکر.

۷. انصاری، محمدعلی، ۱۴۱۵، **الموسوعة الفقهیة المیسّرة**، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

۸. البحرانی، یوسف، ۱۳۶۳، **الحدائق‌الناضرة فی احکام العترة‌الطاهرة**، قم: اسلامی.

۹. الجبعی العاملی، زین العابدین، ۱۳۸۷، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، قم: مکتبة الداوری.

۱۰. حسینی زاده، سید علی، ۱۳۸۰، **اصول تربیت (تربیت فرزند)**، تهران: حوزه و دانشگاه.

۱۱. حسینی، ابراهیم، ۱۳۷۸ش، «**فقه و اخلاق**»، قبسات، سال چهارم، شماره سوم.

۱۲. حکیم، محمدتقی، ۱۴۱۸، **الاصول العامة**، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

۱۳. خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۳، **مصباح الاصول**، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.

۱٤. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی‌تا، **مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن**، تهران: مرتضوی.

۱٥. رفیعی، بهروز ۱۳۷۵، **آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن**، تهران: سمت.

۱٦. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۲، **تهذیب الاصول**، قم: اسماعیلیان.

۱۷. شعیری، محمد بن محمد، بی‌تا، **جامع الأخبار**، نجف: المطبعة الحیدریة.

۱۸. صدر، سید محمدباقر، ۱۴۱۸، **دروس فی علم الاصول**، بیروت: دار الکتاب اللبنانی.

۱۹. الطباطبائی، سید علی، ۱۴۱۸، **ریاض المسائل**، قم: موسسة آل البیت علیهم السلام.

۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۲۱. الطبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار المعرفة.

۲۲. طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۲، **مجمع البحرین**، بیروت: بی‌جا.

۲۳. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۲٤. العاملی، حسن بن زین الدین، ۱۴۰۶ق، معالم **الدین و ملاذ المجتهدین**، قم: اسلامی.

۲٥. علوی، حمیدرضا، ۱۳۸۸، **بررسی تطبیقی نظریات تربیتی اسلام و ژان ژاک روسو**، کرمان: دانشگاه کرمان.

۲٦. فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۷۹، **اصول فقه**، قم: فیضی.

۲۷. فولادوند، مهدی، ۱۳۷۳، **ترجمه قرآن**، تهران: عدالت.

۲۸. گلپایگانی، سید محمدرضا، ۱۴۱۴، **مجمع المسائل (فقه الشیعة)**، قم: دارالقرآن الکریم.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]

۲۹. مجلسی، محمد، ۱۴۰۳، **بحار الانوار**، قم: دارالکتب الاسلامیة.

۳۰. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۷۵، **قواعد فقه (بخش مدنی)**، تهران: مرکز علوم اسلامی.

۳۱. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: نشر کتاب.

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۶، **القواعد الفقهیة**، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام.

۳۳. ملکی، حسن، ۱۳۸۹، **تعلیم و تربیت اسلامی رویکرد کلان نگر**، تهران: انتشارات عابد.

۳٤. موسوی خمینی، روح‌الله، بی‌تا، **تحریر الوسیلة**، تهران: مکتبة العلمیة الاسلامیة.

۳۵. نراقی، محمد بن احمد، ۱۳۷۵، **عوائد الأیام فی بیان قواعد الأحکام**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۳٦. نووی، یحیی بن شرف، ۱۳۵۱، **ریاض الصالحین من کلام سید المرسلین**، قاهرة: المکتبة التجاریة الکبری.

۳۷. همت بناری، علی، ۱۳۸۳، **نگرشی بر تعامل فقه و تربیت**، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-11]